



بررسی مؤلفه های خانواده سالم و متعادل در نظام حقوقی ایران و آموزه های دینی
محمد میلاد بمانیان^۱

چکیده

هدف: در این مقاله نقش هریک از افراد خانواده در سلامت و کارآیی نهاد خانواده، با رویکردی به نظام حقوقی ایران و معارف اسلامی مورد بررسی قرار می گیرد و به تبیین حقوق و تکالیف هریک از این اعضا پرداخته می شود.

روش: در این تحقیق، با روش توصیفی-تحلیلی و با الهام از قانون مدنی ایران و آیات قرآن و روایات، به بررسی تأثیر رعایت حقوق پیش بینی شده برای افراد خانواده در تعادل و سلامت خانواده، پرداخته شده است.

نتیجه گیری: اسلام برای هریک از افراد خانواده (اعم از پدر، مادر، فرزند، زن و شوهر) حقوقی را تعیین نموده و در مقابل وظایفی را برای طرف دیگر وضع کرده است. بر مبنای منابع دینی و اصول حقوقی، رعایت کردن حقوق و انجام تکالیف در کنار یکدیگر می تواند سلامت و کارآیی خانواده را تأمین نماید.

کلید واژه ها: حقوق، خانواده، اسلام، کارآیی، تعادل، والدین، فرزند، شوهر، زن

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه امام صادق (ع) miladbemnian@chmail.ir



مقدمه

در دین اسلام، هیچ نهاد و بنیانی محبوب تر از ازدواج در نزد پروردگار متعال نیست (عاملی، ۱۴۱۹) و رعایت حقوق اعضای خانواده توسط سایر اعضا، از اساسی‌ترین عوامل کارآیی، استحکام و تعادل خانواده می‌باشد. برای افزایش کارآمدی خانواده و جلوگیری از به سردی گراییدن روابط صمیمانه و از بین رفتن کانون خانواده، آشنایی با حقوق و تکالیف و شفافیت حدود و انتظارات الزامی و غیرالزامی افراد خانواده اجتناب ناپذیر است. اگر زن و شوهر در خانواده به حقوق و تکالیف یکدیگر و فرزندان آشنایی داشته باشند و با نگاه به آنها عملکرد خود را تنظیم نمایند، سلامت خانواده تأمین خواهد شد؛ چرا که علت اصلی بسیاری از ناسازگاری‌ها در کانون خانواده، رعایت نکردن حقوق و عدم ایفای وظایف توسط هریک از اعضای خانواده است. در خانواده‌ای که هریک از اعضای آن هم وظایف خود را به خوبی می‌شناسد و آن را به بوته عمل می‌نهد و هم با حقوق سایر اعضا آشناست، فضای محبت و همکاری حاکم شده و در نهایت افراد به سعادت دنیوی و اخروی نائل می‌شوند. در نظام حقوقی اسلام همه حوایج و نیازهای انسان پیش بینی شده است؛ شیوه برخورد با اولاد، والدین، همسایه، مسایل مربوط به زندگی زناشویی، قوانین مربوط به جنگ و صلح و شیوه مواجهه با دشمنان و...

در شرع مقدس اسلام، موضوع حقوق متقابل انسان‌ها و خصوصاً حقوق متقابل افراد خانواده مورد توجه جدی قرار گرفته است و برای آن در همه مراحل زندگی (از زمان قبل از انعقاد نطفه تا بعد از تولد) و برای تمام اعضای خانواده دستور و قانون لازم را وضع نموده است (موسوی خمینی، ۱۳۹۰) در مورد رعایت حق مومنین در متون دینی آمده است که خداوند به چیزی برتر از ادای حق مومن عبادت نشده است (مجلسی، ۱۹۸۳) به این معنا که رعایت حقوق دیگران نه تنها عامل استحکام و تعادل خانواده است بلکه نوعی عبادت می‌باشد که پروردگار متعال در برابر ادای وظایف و رعایت حقوق به انسان‌ها پاداش هم می‌دهد. البته در بررسی حقوق خانواده نباید از این غافل شد که در اسلام تمام حقوق انسانی زن و مرد یکسان است؛ اما با توجه به خصایص و ماهیت خلقت زن، باید حقوق خاصی را برای آنان در نظر گرفت؛ همان گونه که رعایت حقوق مردان نیز لازم و ضروری است.

تعریف مفاهیم

حق: برای تعریف واژه «حق» حقوقدانان، جامعه‌شناسان، فقها و اصولیون تعاریف متعددی ارائه نموده‌اند. اما در موضوع حقوق خانواده کارآمد و متعادل، تعریف ذیل با بحث مورد نظر ما سنخیت بیشتری دارد: «حق امری اعتباری است که برای کسی (له) و بر دیگری (علیه) وضع می‌شود.» در این نوع از حق امکان دارد ریشه واقعی داشته و یا نداشته باشد؛ بدین معنا که در مفهوم آن وجود یا عدم ریشه واقعی ملحوظ نیست (مصباح، ۱۳۸۴). برای حق لوازمی در نظر گرفته می‌شود؛ کسی که صاحب حق است و می‌تواند از متعلقات حق خود منتفع شود. اختصاص داشتن نیز از لوزم حق است؛ یعنی استفاده صاحب حق مانع از آن می‌شود که دیگران از آن بهره ببرند (همان) در فقه امامیه عقیده بر آن است که حق دست کم باید یکی از سه اثر ذیل را داشته باشد: قابلیت اسقاط، قابلیت نقل، قابلیت انتقال (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۰).

خانواده: برای مفهوم خانواده هم تعاریف زیادی ارائه شده که هر کدام آنها خانواده را از نگاه خود مورد بررسی قرار داده‌اند. بهترین تعریف آن است که خانواده را با توجه به ویژگی‌های اساسی مورد شناخت قرار دهد.

خانواده از عمومی‌ترین نهاد اجتماعی هست که بر اساس ازدواج بین یک مرد و یک زن تشکیل می‌شود. در آن مناسبات خونی یا اسناد یافته وجود دارد. معولاً دارای نوعی اشتراک مکانی است و کارکردهای متفاوت شخصی، جسمانی، اقتصادی، و تربیتی را بر عهده دارد (سالاری فر، ۱۳۸۵).

خانواده کارآمد و متعادل: خانواده کارآمد، خانواده‌ای است که با پایبندی اعضای آن به اعتقادات دینی و عقیدتی و رعایت حقوق و اخلاق اسلامی، زمینه کشف و پرورش قابلیت‌ها و توانایی‌های آنان را در ابعاد رفتاری، شناختی و عاطفی فراهم کند.



تفاوت حقوق و اخلاق

تفاوت حقوق و اخلاق را می توان در سه مورد خلاصه کرد:

- ۱- بایدها و نبایدهای حقوقی، تا حدودی دستخوش تغییر می شوند ولی باید ونبایدهای اخلاقی کلی و ثابت هستند.
- ۲- روابط انسان ها به رابطه وی با خود، رابطه او با دیگر انسان ها، رابطه اش با خدا و رابطه او با طبیعت تقسیم می گردد. دایره حقوق، صرفاً شامل رفتار اجتماعی انسان می شود، لکن اخلاق علاوه بر رفتار اجتماعی، رفتار فردی انسان را هم دربرمی گیرد؛ فلذا باید گفت که اخلاق رابطه انسان با خودش، خدا و دیگران را مدنظر قرار می دهد، ولی حقوق، تنها شامل ارتباط انسان ها با یکدیگر می باشد.
- ۳- ضمانت اجرای حقوق بیرونی و دولتی اند ولی ضمانت اجرای ارزش های اخلاقی، وجدان انسانی و ضمانت اجرای درونی می باشد.

رابطه حق و تکلیف

حق و تکلیف دو روی سکه اند. وقتی به شوهر حق می دهیم که بتواند همسرش را از اشتغال به کاری منع نماید، فلذا تکلیف زن این که از آن کار امتناع کند. پس، حقوق و تکالیفی که در رفتارهای اجتماعی انسان ها وجود دارد جعل متقابل دارند و وضع هریک مستلزم وضع دیگری می باشد؛ بدین معنا که هرجا تکلیفی برای فردی معین شود، برای رعایت حقی بوده و در مواردی که حقی وضع شود حتماً تکلیفی را برای دیگری به وجود می آورد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱).

انواع حق و تکلیف در نهاد خانواده

بعضی از حقوق و تکالیفی که دین برای برای اعضای یک خانواده وضع کرده، الزامی است و هریک از اعضا در مقابل حقوقی که برای او در نظر گرفته شده است حق بازخواست طرف مقابل را دارد، به عبارت دیگر شرط منع از ترک فعل در میان آنها وجود دارد. ولی برخی حقوق الزامی نیستند و فرد صاحب حق نمی تواند طرف مقابل را به واسطه عدم رعایت آن حق، بازخواست نماید. البته باید توجه کرد وضع این حقوق و تکالیف توسط شارع، رسیدن به خانواده ای کارا و سالم می باشد. در دین مبین اسلام، نوع اول حقوق، حقوق واجب و نوع دوم جزو مستحبات یا بعضاً مباح به حساب آورده شده است. البته تقسیم حقوق و تکالیف به الزامی و غیر الزامی از منظر حقوقی و قانونی است و گرنه برای رعایت هر دو، از جانب پروردگار متعال پاداش در نظر گرفته شده است. با توجه به مطالب فوق الذکر، واضح است که حقوق غیر الزامی دارای پشتوانه الزام اخلاقی است. چرا که اگر نهاد خانواده را بر مبنای الزام حقوقی و قانونی بدانیم، خانواده از جمعی صمیمانه و عاطفی به نهادی خشک، بی روح و کم استحکام تبدیل خواهد شد. خانواده نهاد حقوقی صرف نیست که قانون قادر به نظم بخشیدن آن باشد، بلکه سازمانی با رویکرد اخلاقی و عاطفی است که نیاز به مجموعه ای از قواعد حقوقی و اخلاقی است. در عین حال، غلبه با اخلاق است تا حقوق؛ زیرا اکثر قوانین مربوط به آن، ضمانت اجرای بیرونی و دولتی مؤثر ندارد.

در همه جوامع بشری، خانواده مظهر اخلاق عمومی است و آنچه در خانواده باید وجود داشته باشد حسن نیت، عشق و مهربانی است و کلیه الزامات موجود در خانواده، پیش از آن که بخشی از قوانین و مقررات خشک حقوقی باشد، برگرفته از قواعد اخلاقی است. برای مثال، قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران مقرر می دارد که «زن و شوهر مکلف به معاشرت با یکدیگرند (ماده ۱۱۰۳) و باید در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند (ماده ۱۱۰۴)» یا بر اساس ماده دیگری «طفل باید مطیع ابوی خود بوده و در هر سنی که باشد به آن ها احترام کند (ماده ۱۱۷۷)». حال این سؤال به وجود می آید که آیا همکاری و تعامل زن و مرد در منزل و پشتیبان یکدیگر بودن در همه مسائل زندگی را می توان فقط ناشی از الزامی حقوقی دانست؟



بی شک انجام این امور لازمه حسن معاشرت و همکاری زوجین در تربیت فرزندان است و بُعد اخلاقی این کارها، بر آثار حقوقی آن‌ها غلبه دارد. فلذا در نهاد خانواده نمی‌توان مرز بین قواعد اخلاقی و حقوقی را به دقت ترسیم نمود. در صورتی که اعضای یک خانواده با اختیار خود حقوق همدیگر را رعایت نکنند، نمی‌توان با اجبار آن‌ها به رعایت حقوق الزامی، به تعادل و کارآمدی نائل شد. این موضوع درباره تکالیف غیر الزامی حقوق نیز واضح و روشن می‌باشد.

تقسیم بندی دیگری که درباره حقوق خانواده می‌توان مطرح نمود بدین گونه است که این حقوق را به ۴ دسته‌ی حقوق شوهر، حقوق زن، حقوق فرزندان و حقوق والدین تقسیم کرد. بسته به میزان رعایت این حقوق توسط اعضا، تعادل و کارآیی خانواده تأمین می‌گردد و به هر اندازه که حقوق الزامی و غیر الزامی ادا شود بر سلامت نهاد خانواده می‌افزاید. حال به ترتیب این حقوق ۴گانه را مورد بررسی قرار خواهیم داد:

حقوق شوهر

رعایت حقوق شوهر از طرف همسر، نقش مؤثری در تعادل و سلامت خانواده دارد. همان طور که قبلاً هم بیان شد، حق و تکلیف، دو روی یک سکه اند و در صورتی که زن، حقوق شوهرش را رعایت نماید، مرد، نیز عملکرد بهتری در انجام وظایف خود خواهد داشت. در ادامه به مهم‌ترین حقوق شوهر، اشاره ای خواهیم داشت.

ارضای نیاز جنسی (تمکین زن)

در بحث مربوط به حقوق زن خواهیم گفت که از جمله حقوق زن، نفقه می‌باشد، اما پرداخت نفقه از طرف شوهر، منوط به تمکین زن است و در صورتی که زن تمکین نکند نشوز او ثابت می‌شود و نفقه به او تعلق نمی‌گیرد. در ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی ایران به این موضوع اشاره شده است. زن در غیر از روزهایی که از نظر شرع، محدودیت دارد، واجب است به نیازهای جنسی شوهرش پاسخ مثبت دهند. پیامبر گرامی اسلام (ص) در روایتی می‌فرماید: «بر زن لازم است از بهترین عطر استفاده کند، زیباترین لباس را بپوشد، خود را به نیکوترین وجه آرایش کند و صبح و شام خود را به شوهر عرضه کند... حق شوهرش بیش از این است» (عاملی، ۱۴۱۹).

در روایتی دیگر، پیامبر به زن‌ها توصیه می‌کنند که هم نشینی و ارضای غریزه جنسی شوهران خود را بر طولانی کردن نماز با انجام مستحبات ترجیح دهند (اسعدی، ۱۳۸۷).

باید گفت که برای تمکین شرایطی لازم است که باید هم در مرد فراهم باشد و هم در زن. اگر این کار با اذیت همراه باشد، در اسلام، از گناهان کبیره به حساب می‌آید. هم چنین در صورتی که زن، آمادگی برای تمکین داشت، ولی به قصد اذیت، از این کار امتناع کند، ناشزه است (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶).

حق انتخاب مسکن

در دین مبین اسلام، این حق به مرد داده شده است؛ (عاملی، ۱۴۱۹) با این حال، می‌توان در حین عقد شرط خلاف آن کرد و حق تعیین مسکن را به زن داد و در صورت پذیرش این شرط توسط باید به مفاد آن ملزم باشد (همان) و تخلف از آن خلاف وفای به عهد است (بستان، ۱۳۸۸) در ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی به این حق اشاره شده است. (ماده ۱۱۱۴: زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند سکنی نماید مگر آن که اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد).

حق نظارت بر رفت و آمد و اجازه خروج از منزل

این حق که جواز خروج از منزل مشروط به اجازه شوهر است، حق مسلم مرد است و بر مبنای روایات قابل خدشه نیست. در منابع شیعی روایات گوناگونی در مورد این حق وجود دارند (عاملی، ۱۴۱۹) و روایات مشابهی در منابع اهل تسنن نیز در این باره



بیان شده است (هیثمی، ۱۴۰۸) در بین فقها، صرفاً برخی بر این اعتقادند که لزوم کسب اجازه از شوهر، مختص مواردی هست که خروج از منزل با حقوق جنسی شوهر منافات داشته باشد که این اختصاص با توجه به اطلاق روایات سازگار نیست (بستان، ۱۳۸۸).

حقوق زن

۱. نفقه (تهیه مخارج و لوازم زندگی)

نفقه واجب از حقوق زن به حساب آمده و مرد ملزم به تهیه آن است و مقدار آن بر اساس شوون زن تعیین می گردد (موسوی خمینی، ۱۳۸۵) در ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی به این موضوع اشاره شده است (ماده ۱۱۰۷: نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض).

امام خمینی (ره) درباره نفقه می فرماید: «نفقه، شرعاً اندازه ای ندارد، بلکه قاعده این است که به آن چه زن احتیاج دارد، از قبیل غذا، خورش، پوشش، فرش، پرده، سکونت دادن، خادم داشتن و وسایلی که بر آشامیدن، پختن، نظافت و غیر این ها به آن ها نیاز دارد، قیام نماید. اما خادم گرفتن وقتی واجب است که صاحب جلال و شأن و از صاحبان خدمتگزار باشد، وگرنه باید خودش خود خدمت کند و اگر جلال و شأن او طوری باشد که چند خدمتگزار داشته باشد، بعید نیست که واجب باشد و بهتر آن است که در تمام موارد ذکر شده به عرف و عادت، موکول شود. همچنین است در وسایل و ادواتی که احتیاج به آن ها دارد. پس در آن ها آن چه که برای امثال او به حسب نیازهای شهری که در آن سکونت دارد، متعارف است، باید ملاحظه شود.»
موارد نفقه واجب به شرح زیر است:

الف) فراهم نمودن مسکن مناسب

«در اسکان او [زن] استحقاق دارد که او را در خانه ای که به حسب عادت، لایق امثال اوست، سکونت دهد و باید خانه مرافقی که احتیاج به آن ها دارد داشته باشد و زن می تواند از شوهر بخواهد که او را در مسکن از مشارکت غیر شوهر تنها قرار دهد (هوو باشد یا غیر آن)، از خانه یا حجره که مرافق آن تنها مال او شود. یا به عاریه یا اجاره یا به ملک باشد. و اگر از اهل بادیه باشد کوخ یا خانه، جایی تنها که مناسب حال او هست، کفایت می کند و همچنین فرش و روی انداز، پس از آن چه را که بر زمین فرش می کند و آن چه که برای خواب از لحاف و بالش و آن چه که روی آن می خوابد، احتیاج دارد، باید برایش تهیه شود و در مقدار، جنس و وصف آن، به آن چه که در غیر آن ذکر شد، رجوع می شود.» (موسوی خمینی، ۹۰).

ب) تهیه غذا و خوردنی های مورد نیاز

«و اما غذا، کمیت آن مقداری است که برای سیر نمودن او کافی باشد و در جنس آن رجوع می شود به آنچه که برای مثال او در شهرش متعارف است و مناسب مزاج او است و آنچه که عادت به آن کرده، به طوری که به ترک آن متضرر می شود. از غیر طعام و خورش مانند چای و تنباکو و قهوه و مانند اینها لازم است و از این بهتر این است که مقدار لازمی از میوه های تابستانی که خوردن آنها در هوای گرم مانند چیز لازم جزو نفقه است. همچنین است آنچه که از میوه های مختلف در فصلها برای مثل او متعارف است» (همان).

ج) تهیه پوشاک مورد نیاز و متناسب با شأن زن

«و همچنین است حال در پوشیدن؛ پس در مقدار و جنس آن، عادت امثال او و شهر سکونت او و فصولی که در زمستان و تابستان احتیاج به آنها دارد ملاحظه می شود؛ زیرا شدیداً در کم و کیف و جنس نسبت به این مسائل اختلاف هست، بلکه اگر از صاحبان تجمل باشد، واجب است که علاوه بر لباس بدن (لباس معمولی)، لباسی به حسب حال امثال او، برایش تهیه شود» (همان).



د) تأمین هزینه های بهداشت و درمانی

براساس قانون مدنی ایران، حفظ سلامت زن بر عهده مرد می باشد و در ماده ۱۱۰۷ این قانون، هزینه های بهداشتی و درمانی به عنوان جزیی از نفقه ذکر شده است. بخش مذکور در این ماده به دو نکته مهم اشاره دارد؛ اول این که، هزینه های بهداشتی زن بخشی از نفقه است، فلذا قبل از بیمار شدن زن، هزینه های پیشگیری از بیماری بر مرد واجب است و نکته بعدی این که، اگر زن بیمار شد نیز هزینه های درمان و بهبودی وی از مصادیق نفقه می باشد. البته باید گفت که سلامت زن، هم سلامتی جسمی و هم سلامتی روحی او را دربرمی گیرد.

ه) تهیه وسایل زندگی مناسب و متناسب با شأن زن

تهیه وسایل مورد نیاز زن از تکالیف الزامی مرد می باشد و جزء حقوق و نفقه واجب زن به شمار می رود. درباره این تکلیف الزامی شوهر، ذکر چند نکته لازم به نظر می رسد: اول) وجوب نفقه مشروط به عدم توانایی مالی، فقر و احتیاج زن نیست و مرد در هر صورت موظف به پرداخت آن می باشد. دوم) وجوب نفقه، مربوط به هسر دائم است و شامل همسر موقت نمی شود. سوم) وجوب نفقه مشروط به تمکین کامل توسط زن است و اگر مرد، نفقه را از قبل بپردازد، ولی زن مدتی از آن زمان نشوز داشت، نفقه ایام نشوز باید به مرد مسترد گردد و زن در مقابل نفقه دریافتی در این ایام به شوهر خود بدهکار می باشد. چهارم) در صورتیکه مرد ثروتمندی با زن فقیری ازدواج کند، مرد حق ندارد گذشته زن را ملاک پرداخت نفقه قرار دهد، بلکه باید وضعیت حال او را در نظر داشته و متناسب با منزلت و شأن فعلی زن، مخارج و لوازم زندگی او را تأمین کند. پنجم) اگر مرد از پرداخت نفقه سرباز زند، زن می تواند بدون اجازه، از اموال او به مقدار نفقه و مخارج متعارف خود بردارد (همان).

۲. تعامل و معاشرت همراه با اخلاق اسلامی

زن برای مرد هدیه و نعمت الهی است (مجلسی، ۱۹۸۳) و شایسته تعاملی نیکو می باشد (همان) رعایت کردن اخلاق اسلامی و اجتناب از پرهیز و اهانت و تحقیر، نه فقط در خانواده و بین اعضای آن، بلکه وظیفه انسانی و اخلاقی هر مرد و زنی است. به عنوان مثال، مرد نباید عیوب همسر خود را بزرگ جلوه دهد، بلکه بر اساس دستورات دین اسلام، باید آن ها را بیوشاند (عاملی، ۱۴۱۹). از موارد مهم معاشرت نیکو، بخشش و گذشت می باشد. کسانی که از اشتباهات سایرین می گذرند، محبت دیگران را به خود جلب می کنند و آنان را وفادار و خوش بین نگاه می دارند.

برخورد خوب، هم در گفتار و هم در رفتار باید مشاهده شود. وقتی مرد با کلماتی زیبا و چهره ای باز با همسرش، روبرو می شود، در واقع کلید محبت و صمیمیت و ارتباط پایدار و صمیمی را به دست او داده است و با گفتار نیکو و خوب، باعث استحکام روابط می گردد. ویژگی هایی از قبیل عفت کلام، ادب و متانت در سخن، از خصایص اولیای دین و برجستگان می باشد. در مقابل آن، چهره خشن، آشفته و سخنان دور از اخلاق و آزاردهنده، راه هرگونه ارتباط و صمیمیت را بسته و به تدریج، فاصله عاطفی و روانی اعضای خانواده را زیاد می کند و در نتیجه باعث عدم تعادل و سلامت و کارآیی کانون خانواده می شود و مشکلات و تلخی های بسیاری را به همراه می آورد.

۳. شایش و توسعه مادی در زندگی

در روایات اسلامی، از جمله وظایف شوهر در زندگی، سعی و کوشش در جهت ایجاد شرایط زندگی مطلوب و معقول و رفاه دانسته شده است و شرع مقدس اسلام از گسترش زندگی افراد خانواده استقبال می نماید. در متون دینی مردی که برای این کار تلاش می کند، از محبوب ترین مردان در نزد پروردگار متعال به شمار آمده است (مجلسی، ۱۹۸۳).

در صورتی که افراد یک خانواده از امکانات کافی و لازم بهره مند باشند، با خاطری آسوده تر در مسیر رشد و تعالی گام برمی دارند؛ اما در صورتی که از طرف مرد خانواده با محدودیت مواجه باشند، همیشه دچار نگرانی خواهند بود و نسبت به نان آور خانه،



دید منفی پیدا می کنند و به دنبال آن، کارایی و تعادل خانواده از بین می رود. دین مبین اسلام گشایش در زندگی را ستوده، به گونه ای که در حدیثی بیان شده است که در زندگی به گونه ای گشایش به وجود آید که افراد خانواده، مرگ شما را آرزو نکنند (کلینی، ۱۳۸۸).

در احادیث، توسعه و رفاه در زندگی از جمله حقوق زن به شمار آمده و مورد اهتمام ائمه اطهار(ع) قرار گرفته است. آنچه از روایات برداشت می شود، نشان دهنده ای آن است که سعی و تلاش مرد برای برآورده کردن حوائج زندگی و توسعه ای در آن مورد توجه ویژه خداوند است و جزای آن را با پاداش شهادت در راه خدا که از بهترین پاداش هاست، مقایسه نموده اند و پاداش مردی را برای خانواده خود تلاش می کند، همانند پاداش شهید و «مجاهد فی سبیل الله» و گاهی بالاتر از آن شمرده اند. (عاملی، ۱۴۱۹).

در نقطه مقابل، افرادی که به این موضوع کم توجهی می نمایند، مذمت شده اند.

۴. اهتمام به غریزه جنسی

قرآن در مورد خانواده می فرماید که این نهاد از دو جنس مخالف تشکیل می شود و راه طبیعی تکثیر نسل انسان، همین است. رابطه و کشش متقابلی بین زن و شوهر است که یکدیگر را جذب می کنند. همین گرایش فطری که به رفع نیازهای فیزیولوژیکی می انجامد، باعث می شود نهادی به نام خانواده به وجود بیاید. قرآن در این باره می فرماید: «... و خلق منها زوجها و بثّ منهما رجلاً كثيراً و نساء...» و از آن دو، مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد...» (نساء/۱) این نشان می دهد که نیاز جنسی، از نیازهای طبیعی و فطری انسان و یکی از انگیزه های مهم برای تشکیل خانواده می باشد. اولین نکته در جهت حفظ سلامت و تعادل خانواده، تصدیق صریح و درک جنبه جنسی همسر خویش است. این غریزه جنسی مانند غذا خوردن و خوابیدن است و انسان همان طور که در هنگام گرسنگی به غذا احتیاج دارد و همان گونه که می خوابد، باید به غریزه جنسی نیز پاسخ داده بشود، هم از سوی مرد و هم از سوی زن (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶). باید به این توجه داشت که کم توجهی به این نیاز طبیعی زن، او را دچار بیماری های روحی و جسمی خواهد کرد و به دلیل این که نیاز جنسی، نیاز فطری انسان است، دین اسلام، برآورده کردن این نیاز را حق زن و از وظایف مرد به حساب آورده است.

۵. آراستگی و پاکیزگی

همان گونه که مرد توقع دارد همسرش مرتب، زیبا و آراسته باشد، زن نیز این توقع را از شوهر خود دارد که آراسته و نظیف باشد. آراستگی مرد موجب احساس رضایت زن از زندگی می شود و بر عفت و پاکدامنی او می افزاید. یک از اصحاب امام موسی کاظم(ع) علت خضاب کردن را از ایشان پرسید. حضرت در جواب فرمودند: «آمادگی و خودآرایی مرد موجب افزایش عفت زنان است. زنانی که عفت خود را ترک کردند به دلیل این بود که شوهر خود را مرتب و آراسته ندیدند. زنان بنی اسرائیل از عفت و پاکدامنی دست کشیدند و این مسأله جز به این علت نبود که شوهران آنان، خود را نمی آراستند. زن هم از مرد انتظاری را دارد که مرد از او دارد.» (مجلسی، ۱۹۸۳).

پاکدامنی و عفت، از اصلی ترین عامل تعادل و استحکام خانواده می باشد. اگر پاکدامنی از خانواده ای رخت بر بست، اعتماد و وفاداری در آن خانواده نابود خواهد شد. این اعتماد و وفاداری بین زن و شوهر عامل انسجام و اتحاد بیشتر بین زوجین می شود و باعث تعادل و کارایی هرچه بیشتر نهاد خانواده می شود. نباید از این نکته هم غافل شد که عفت و پاکدامنی، از جمله عوامل مهم در تربیت و رشد اولاد و به تبع اصلاح جامعه است.

حقوق فرزندان

بر اساس آیات قرآن کریم، از جمله اهداف ازدواج، رسیدن به آرامش و سکون (روم/۲۱): و من آیاته أن خلق لکم من أنفسکم أزواجا لتسکنوا إلیها... و از جمله اسباب رسیدن به آرامش، داشتن فرزند در زندگی مشترک است. فرزند شیرین ترین ثمره زندگی زن و مردی است که با صمیمیت و عشق و با پیوندی آسمانی در کنار هم قرار گرفته اند. وجود فرزندان در زندگی زناشویی نه تنها



عشق و محبت و حس مسؤولیت در زندگی را افزایش می دهد، بلکه آنان «خود مشترک» را در سیمای فرزند نظاره می کنند. فرزند شبیه گل نوشکفته ای است که به زندگی پدر و مادر، طراوتی و شادابی تازه ای می بخشد. فرزند عطیه و هدیه الهی بر روی زمین است که برای انسان خیر کثیر را به ارمغان آورده و پدر و مادر را امانت دار الهی می گرداند و به آن ها امکان می دهد که با تربیت اسلامی و اخلاق مدار، این امانت را ادا نمایند. این آرزو جز با رعایت حقوقی که صاحب امانت مشخص کرده است، محقق نمی شود. فرزندان نیز مانند زن و شوهر، حقوق و وظایفی دارند که رعایت آن ها در رسیدن خانواده به تعادل و نائل شدن به کمال مطلوب نقش بسزایی دارد. در ذیل، به بیان تعدادی از این حقوق می پردازیم:

۱. نام شایسته و نیکو

در روایتی امام رضا(ع) انتخاب نام و نیکو و شایسته برای فرزند را احسان و نیکی در حق فرزند می دانند و می فرمایند: «نخستین احسان و نیکی که پدر در حق فرزندش روا می دارد، انتخاب نام زیبا برای اوست. بنابراین لازم است هریک از شما نام نیکو برای فرزند خود برگزیند» (فیض کاشانی، ۱۳۷۲). امروزه تأثیر نام بر شکل گیری شخصیت فردی و اجتماعی انسان در علم روان شناسی به اثبات رسیده است. نام گذاری فرزند در نظام تربیتی اسلام اهمیت فراوان دارد و حتی تأکید شده که قبل از تولد فرزند، نام شایسته ای برایش انتخاب شود. در شرع مقدس اسلام نیکوترین نام ها، نام هایی است که دال بر بندگی باشد یا یکی از نام های معصومین باشد. هم چنین والدین از نام گذاری فرزند با نام های زشت و زننده نهی شده اند. انتخاب نام زشت و تحقیر کننده، تأثیر نامطلوبی در شکل گیری شخصیت کودک دارد. هرچند فرزند بعد از رسیدن به سن قانونی می تواند نام خود را عوض کند، ولی در یک فاصله زمانی از داشتن نام نیک محروم شده است.

۲. حق تغذیه با شیر مادر

طبق دستورات الهی و نوامیس طبیعت، کودک باید از شیر مادر تغذیه کند و محروم کردن بی دلیل نوزاد از شیر مادر ظلم بزرگی در حق طفل می باشد. به همین علت، در دین اسلام برای مادران شیرده، پاداش های متعددی ذکر شده است. پیامبر اکرم(ص) در حدیثی شریف می فرماید: «هنگامی مادر فرزند خود را شیر می دهد، در هر مرتبه ای که کودک از پستان او شیر می مکد، خدای متعال، ثواب فراوانی به او عطا می کند و آن گاه که از شیردادن فراغت می یابد، فرشته ای دست بر پهلوی مادر نهاده و می گوید: زندگی را از نو آغاز کن که خداوند تمام گناهان گذشته ات را آمرزید» (عاملی، ۱۴۱۹).

گفتنی است که اقتضای حکمت خدای متعال، قرار دادن هر چیزی در جای خود و انتظام عالیه آفرینش و جامع نگری در تشریح است. نگاهی به ولادت نوزاد و نیاز غذایی او، هم زمان بودن ترشح شیر در سینه مادر و تولد نوزاد و نیاز غذایی او و ترکیب شیر مادر، همه نشان از حکمت کامل حضرت حق تعالی دارد و برای خردمندان نشانه توحید است.

امروزه تحقیقات پزشکی تأیید می کند که شیر مادر با داشتن پروتئین، مواد قندی، آب، ویتامین ها، چربی، مواد معدنی و... کامل ترین و مناسب ترین غذا برای نوزاد است و کودکانی که از بدو تولد تا دو سال تمام با شیر مادر تغذیه می کنند، نسبت به سایر کودکان، ضریب سلامتی جسمی و بهره ی هوشی بالاتری دارند. کوکانی که از شیر مادر استفاده می کنند شش برابر بیشتر از سایر کودکان، شانس زنده ماندن دارند. شیر مادر صرفاً رمینه ساز سلامت کودک در دوره شیرخوارگی نیست، بلکه پژوهش ها نشان می دهد که حتی در دوران پیری، آنان که در هنگام شیرخوارگی، از شیر مادر بهره مند بوده اند، به مراتب بیش از آنان که از این نعمت محروم بوده اند، از سلامت دستگاه قلب و عروق بهره مند خواهند.

توجه به این فواید بارز، بیان کننده ی این موضوع است که تغذیه با شیر مادر از حقوق فرزند می باشد (محمدیان، رحیمی، ۱۳۹۰).



۳. رشد اجتماعی فرزند

به طور کلی، انسان مدنی بالطبع می باشد و موجودی است که در جامعه به مراتب کمال دست می یابد. برای تربیت فرزندان باید به این مسأله توجه نمود که آغاز رشد اجتماعی فرزند در محیط خانواده است و اهتمام به رشد اجتماعی آنان از تکالیف تربیتی والدین است تا استعدادها و توانمندی های آنان شکوفا شود؛ لذا تربیت و رشد جمعی از جمله حقوق فرزندان است. تربیت و رشد اجتماعی فرزندان، نه فقط در سعادت دنیوی و اخروی آنان، بلکه با تأثیر و تأثر تعاملات اجتماعی افراد، در رسیدن جامعه به غایت کمال خود مؤثر می باشد. به همین خاطر است که شرع مقدس اسلام به تربیت انسان خصوصاً تربیت اجتماعی و تعادل اخلاقی تأکیدی وافر دارد. دین اسلام پایه های تربیت را در درون انسان ها بنا نهاده و آنان را به رعایت موازینی سفارش کرده که در صورت محقق شدن آن ها در وجود افراد، نظام جامعه از ثمرات مهم آن مانند روابط پایدار، تعادل، نظارت اجتماعی متقابل و... بهره می برد.

بدون شک، خانواده، اولین نهادی است که اصول اخلاق فردی و اجتماعی در آن تجربه می شود و کودکان و نوجوانان با مشاهده رفتارهای اعضای خانواده، آن ها را می آموزند. از نظر اسلام، خانه ای سالم و مطلوب است که محیط آن الهی باشد و والدین با رعایت انصاف و عدالت در بین فرزندان، (مجلسی، ۱۹۸۳). ترحم و دلسوزی نسبت به کودکان و احترام به بزرگان و سالمندان، الگویی شوند تا فرزندان با دیدن رفتار آن ها، در زندگی جمعی و مواجهه با افراد جامعه، از این آموزه های الهی و اسلامی بهره ببرند (صدوق، ۱۳۷۳).

۴. حق ازدواج

حق ازدواج از جمله حقوق مسلم فرزندان بر والدین، به خصوص پدر است. شاید فرزندان به علت آرزوهای دور و دراز، بی تجربگی، تنگدستی و افکار اشتباه، در مسأله ازدواج به انحراف یا تردید دچار شوند یا آن را به تأخیر بیندازند. این تکلیف بر دوش پدران است که آن ها را در انتخاب صحیح و مناسب یاری رسانند و مقدمات این امر مقدس را برای آنان فراهم آورند. این حق در آموزه های دینی بر آن تأکید خاصی شده است. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «از جمله حقوق فرزند بر پدرش سه چیز است:...و آن گاه که به سن بلوغ رسید، زمینه ازدواج او را فراهم کند.» (ری شهری، ۱۳۸۶).

حقوق والدین

در آیات و روایات سفارش های بسیاری برای رعایت حقوق والدین بیان شده است که می توان همه ی آن ها را ذیل عنوان «احسان» قرار داد. برخی از اهم مصادیق احسان در آیات و روایات عبارتند از: اطاعت از والدین (سوره لقمان، ۱۴ و ۱۵)، تواضع در مقابل آن ها (عاملی، ۱۴۱۹)، به نرمی با والدین صحبت کردن (همان)، رفع نیازهای آنان، اجتناب از آزردن آن ها حتی به قدر یک «أف» گفتن (سوره اسراء، ۲۳)، مراقبت از آن ها در سن پیری و...

در فقه شیعه، نیز، احکامی در راستای حفظ حقوق والدین، تکالیفی برای فرزندان وضع شده است؛ به عنوان مثال می توان به این موارد اشاره کرد: عدم جواز سفر غیرواجب با نهی والدین، عدم جواز گرفتن روزه مستحبی در صورت نهی والدین، وجوب اطاعت از والدین در همه کارها مگر امر به انجام حرام یا ترک واجب، وجوب قطع نماز مستحبی در صورت درخواست والدین و... (موسوی خمینی، ۱۳۸۱)

حقوق مشترک

در معارف اسلامی، حفظ و توسعه روابط خویشاوندی دارای اهمیت بسیار زیادی است؛ به طوری که پیامبر اکرم (ص) آن را جزء دین دانسته و هدف از رسالت خویش را پس از بندگی خداوند و مبارزه با بت پرستی، صلح رحم معرفی می کند. در منابع دینی حق مشترک صلح رحم به عنوان زمینه ساز دست یابی به بهنجاری در امور خانواده شناخته شده است (مجلسی، ۱۹۸۳).



نتیجه گیری

اهم نتایج این پژوهش عبارتند از:

۱. شرع مقدس اسلام، برای همه افراد خانواده حقوق و در مقابل برای دیگران تکالیفی را وضع کرده است.
۲. هریک از اعضای خانواده برای حفظ تعادل، کارآیی، استحکام و سلامت کانون خانواده باید وظایف خود را به نحو احسن انجام بدهند تا به سعادت دنیوی و اخروی و غایت کمال خانواده نائل شوند.
۳. عدم اهتمام به رعایت حقوق و تکالیف، نهاد خانواده را از اهداف تعیین شده در معارف اسلامی دور کرده و بر زندگی فردی و اجتماعی هریک از اعضای خانواده تأثیر منفی می گذارد.
۴. اصلی ترین هدف از کارآیی و سلامت جسمی و روحی اعضای خانواده، ساخته شدن انسانی متخلق به اخلاق اسلامی است و این هدف جز با رعایت حقوق الهی سایر اعضای خانواده و انجام تکالیف محقق نمی شود.

منابع فارسی

- اسعدی. سیدحسن. (۱۳۸۷). *خانواده و حقوق آن*. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- بستان. حسین. (۱۳۸۸). *اسلام و تفاوت های جنسیتی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جعفری لنگرودی. محمدجعفر. (۱۳۷۰). *مکتب های حقوقی در حقوق اسلام*. تهران: انتشارات گنج دانش.
- سالاری فر. محمدرضا. (۱۳۸۵). *خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- محمدیان. بهرام. (۱۳۹۰). *نگاهی دیگر به حقوق فرزندان از دیدگاه اسلام*. تهران: نشر انجمن اولیاء و مربیان.
- مصباح یزدی. محمدتقی. (۱۳۸۴). *مجموعه آثار (اخلاق در قرآن)*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح یزدی. محمدتقی. (۱۳۸۴). *مجموعه آثار (حقوق و سیاست در قرآن)*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح یزدی. محمدتقی. (۱۳۸۶). *تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- موسویجنوردی. سیدمحمد. (۱۳۸۶). *حقوق خانواده*. تهران: انتشارات مجد.
- موسی خمینی. سید روح الله. (۱۳۹۰). *جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (ره)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- مووی خمینی. سیدروح الله. (۱۳۸۱). *رساله توضیح المسائل*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

منابع عربی

- حر عاملی. محمد بن حسن. (۱۴۱۹). *وسائل الشیعه*. تهران: انتشارات چاپخانه اسلامی.
- صدوق. محمد بن علی. (۱۳۷۳). *عیون اخبار الرضا*. تهران: نشر صدوق.
- فیض کاشانی. ملا محسن. (۱۳۷۲). *محجه البیضاء*. قم: انتشارات جامعه مدرس.
- قرآن کریم.
- کلینی. محمد بن یعقوب. (۱۳۸۸). *فروع کافی*. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی. محمد باقر. (۱۹۸۳). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محمدی ری شهری. محمد. (۱۳۸۶). *میزان الحکمه*. قم: انتشارات دارالحدیث.
- هیثمی. علی بن ابوبکر. (۱۴۰۸). *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*. بیروت: دارالکتب العلم.